

حضرت گلشن استادیار صاحب مدد مبارک محترم

خانم زکاء سلطان احمدی، سعید پور

بارہاں و ترجمہ نگار و پرنٹنگ

نیاز پور گرو ماہو عبیدہ (کابل)

خانم (یا) را لوبیدہ لغزیز

خانم فرزار غرض - سیدالروم ایسان

صورت (خبر سلام) کنند

من یک عتی (حوئی) فرصت نداشتم

نگاهی لورا و سقا پورا بر آن لبها ختم توی

است که لورا در لابلای استعاره می بینی

ص ۲

نگاهی تیزبین و ژرف و رفیع دارد و راهی
 است لایحه حاضر سوختن خودش کاسر آتوق
 آتوقی با او را داشته است. رالرحمان دوست
 عزیزم که اولاً همه کس خود را رنجور است و
 مادر شما می گویم که خود را مثل کتک می فرستم
 و آب می گویم. خیلی دوست دارم و فرزندم
 عشق و اشتیاق بی ترس می پذیرد که آن
 می از زندگی دوست دارم که اگر با آن در راه
 مورد حیرت و گفتگو نداشته باشیم و آن در راه اندر
 آن با هم هم است در نامه ها بعدی بفرستم

وقت ظهر بندید و عصر از وطن بدوید " ایچو دوستدار"

مهر